

# استراتژی چپ «به بهانه ی کنفرانس ورشو»

سخن روز شماره: ۱۰۵ (۶ اسفند ۱۳۹۷)

در اخبار روز ''یادداشت سیاسی'' پرمضمون و نظری در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۷ انتشار یافت با عنوان ''به بهانه ی کنفرانس ورشو''.

نکته ی مرکزی به جا در یادداشت، توجه به مساله ی پراهمیت تجهیز همبستگی جهانی با جنبش آزادی و عدالت خواهی در نبرد طبقاتی تعمیق یافته در ایران است. بدون تردید جلب همبستگی نیروهای ترقی خواه در جهان می تواند نقش کمی بزرگی را در نبرد امروز مردم میهن ما و به ویژه زحمتکشان یدی و فکری و دیگر نیروهای میهن دوست برای دستیابی به خواسته های محقانه و قانونی خود ایفا سازد. در این راستا به کوشش سازمان های مدافع حقوق بشر، فعالان کارگری برای جلب همبستگی جهانی سازمان های کارگری و کوشش حزب توده ایران برای تجهیز احزاب کارگری و کمونیستی اشاره می شود.

در یادداشت، به درستی بر اهمیت تجهیز بین المللی علیه خطر امپریالیسم و کوشش برای استفاده از تضادهای افزایش یابنده میان امپریالیست ها به علت رشد روند چند قطبی شدن نیروها در جهان اشاره و بهره بردن از آن توصیه می شود.

با تأکید بر آنکه «سرنوشت کشور ما باید به دست خود مردم ایران تعیین شود...»، به برنامه های امپریالیستی و خادمان ایرانی آن پاسخ دندان شکن داده می شود. نبرد ضد امپریالیستی- رهایی بخش مردم میهن ما در جایگاه به جای تاریخی آن قرار داده می شود.

در ابراز نظری به این نکته اشاره شد که نبود طرح استراتژی مشخص در نبرد علیه ارتجاع حاکم در ایران در ''یادداشت سیاسی''، خلأی را ایجاد کرد که مورد انتقاد چپ سرگردان و یورش عناصر ضد کمونیست به کلیت هدف یادداشت گشت. برخورد این هر دو موضع به مضمون یادداشت، با وجود تفاوت هایی میان آن ها، واقعیتی را عیان می سازد که نگرشی انتقادی به آن ضروری است.

پرسش این است که آیا چپ ایران دارای استراتژی مستقل طبقاتی برای نبرد طبقاتی کنونی در ایران است که هدف آن، همان طور که

''یادداشت ..'' برجسته می سازد، «دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و خواست های عدالت جویانه ی .. مردم ایران» است؟

در چنین استراتژی باید نظر تئوریک- ایدئولوژیک درباره ی مبارزه با ارتجاع داخلی، همانقدر جایگاه خود را دارا باشد که درباره ی مبارزه با امپریالیسم داراست. زیرا مبارزه ی ضد امپریالیستی- رهایی بخش با دشمن اصلی خارجی، تنها آن هنگام از سنگ بنای واقعی و قابل اعتماد برخوردار است، که بر پایه ی مبارزه ای علیه ارتجاع داخلی استوار باشد. این استراتژی باید از یک سو دارای دورنمای موفقیت باشد؛ یعنی واقع بینانه و عملی باشد. از سوی دیگر که ''یادداشت سیاسی'' آن را به درستی برجسته می سازد، باید این استراتژی مبارزان را به عمال اجرای سیاست امپریالیستی بدل نسازد، آن طور که سلطنت طلبان و مجاهدین هستند. بهره گرفتن از امکان ها در جهان باید هشیارانه و هدفمند عملی گردد. تجربه مبارزان کرد در شمال سوریه در این زمینه می‌تواند کمک باشد برای انتخاب ''متحدان'' و جلب همبستگی آن‌ها در کشورهای سرمایه داری.

یافتن چنین سیاست مستقل طبقاتی در مبارزه علیه ارتجاع داخلی و خارجی نیاز به بحثی همه جانبه دارد. به نظر می‌رسد می‌تواند در این زمینه تنها استراتژی ای مؤثر باشد که هدف یورش آن متوجه ی نقطه ی اتکا و پل ارتباطی میان ارتجاع داخلی و امپریالیسم باشد. همان‌طور که هدف مبارزه علیه عمال امپریالیسم، نشان دادن و یورش به وابستگی رضا پهلوی و مجاهدین به عنوان نیروی کمکی برای سیاست نواستعماری امپریالیسم علیه ایران است که در ''یادداشت ..'' برجسته شده است.

نقطه ی اتکا و پل ارتباطی و وابستگی ارتجاع داخلی به ارتجاع جهانی، به امپریالیسم، اقتصاد سیاسی مشترک آن هاست.

ارتجاع داخلی که از طریق اعمال دیکتاتوریِ داعش وار ولایی به مردم میهن ما، به ویژه به زحمتکشان یدی و فکری، به عامل اجرایی اقتصاد سیاسی نئولیبرالِ امپریالیستی- اسلامی در ایران بدل شده است، مانند سلطنت طلبان و مجاهدین به نیروی خادم مصالح سرمایه مالی امپریالیستی در ایران بدل شده است. اختلافات میان آن‌ها بر سر تقسیم سود است. چانه زنی بر سر سهم از غارت است.

مبارزات اعتراضی- اعتصابی کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان، دانشجویان و دیگر لایه‌های مردمی در دوران اخیر کمک بزرگی

است برای شناخت این پل ارتباطی و وابستگی ارتجاع داخلی به جهانی، به اقتصاد سیاسی امپریالیستی.

رشد خواست های دمکراتیک- مطالباتی کارگران و دیگر نیروهای زیر فشار در ایران به خواست پایان دادن به خصوصی سازی زندگی اجتماعی که «پراتیک انقلابی» (مارکس) توده های میلیونی مردم میهن ما را تشکیل می دهد، بدون تردید مضمون استراتژی مستقل طبقاتی چپ ایران را در دوران کنونی تشکیل می دهد که می تواند به هدف «دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک و خواست های عدالت جویانه ی . . مردم ایران» تحقق بخشد. زیرا به نیاز تاریخی مردم میهن ما برای حفظ استقلال اقتصادی و به طبع آن سیاسی- اجتماعی- فرهنگی و غیره پاسخی به جا و ضروری می دهد.

**چنین استراتژی به سد وجه از نیازهای مردم همزمان پاسخی تاریخی- ضروری می دهد.** به خواست برقراری آزادی و آزادی های دمکراتیک قانونی فردی و اجتماعی؛ به خواست ایجاد شرایط زیربنایی برای رشد نسبی عدالت اجتماعی و سوم، اما نه کم اهمیت تر از دو خواست پیش، به خواست قطع وابستگی اقتصادی نواستعماری به اقتصاد سیاسی دیکته شده توسط سازمان های مالی امپریالیستی و از این طریق تأمین شرایط ضروری برای رهایی ملی و حفظ حق حاکمیت ملی ایران، سرزمین مشترک همه خلق های ساکن آن.

یکی از وظایف سنگین در مبارزه در ایران که در هماهنگی است با ایجاد شرایط همبستگی جهانی با مبارزه طبقه کارگر ایران و دیگر نیروهای مردمی و میهن دوست، **روشنگری و نشان دادن ضرورت همبستگی طبقه کارگر ایران در کلیت آن است.**

مبارزه برای آنکه زحمتکشان در بخش های دیگر اقتصاد از قبیل نفت، خودرو سازی و غیره دریابند که همبستگی آنها با کارگران هفت تپه، اهواز و در مناطق دیگر، حافظ منافع آنها نیز است، چنین مبارزه ای را تشکیل می دهد.

مبارزه برای آنکه زحمتکشان شاغل دریابند که مبارزه با نابود ساختن بیش از نود درصد از قراردادهای رسمی در ایران، تنها با کمک سازمان های کارگری آزاد و همبسته و سراسری ممکن است که به طور دسته جمعی خواستار تصویب قراردادهای رسمی و جمعی میان کارکنان و صاحبان سرمایه هستند و با مبارزه جمعی و همبستگی سراسری خود می خواهند این خواست را به سطح قانون کار ارتقا دهند، چنین

مبارزه‌ای را تشکیل می‌دهد.

مبارزه‌ای که بدون همبستگی همه‌ی نیروهای مردمی در ایران، زنان، جوانان، دانشجویان و غیره با مبارزه‌ی کارگران به نتایج مطلوب دست نمی‌یابد، نیز چنین مبارزه‌ای را تشکیل می‌دهد و نیرو و قادر است در جامعه نیرو و توان‌های بالقوه را تجهیز کند. مبارزه برای تجهیز گروه‌های به حاشیه رانده شده به صحنه‌ی نبرد طبقاتی در جامعه نیز چنین مبارزه‌ای را تشکیل می‌دهد.

سازماندهی نیروها برای هدف‌های استراتژیک فوق در ایران، اهرم‌های پرتوان مبارزه علیه ارتجاع داخلی است که با رشد و ژرفش نبرد طبقاتی هر روز بیش‌تر افشا می‌شود و با نزدیکی به امپریالیسم مواضع خود را عریان‌تر خواهد ساخت. روندی که به تجزیه در حاکمیت منجر می‌شود و شرایط پیروزی نبرد آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی را در ایران می‌گشاید.

هدفی که تنها به طور جمعی و در همبستگی میان کارگران واحدهای مختلف در ایران و متحدان نزدیک آن‌ها قابل دستیابی است.

ابتکار انتشار 'یادداشت سیاسی' را باید توسط نشریه‌ی وزین اخبار روز که نقش پراهمیتی را اکنون در انتشار مبارزات زحمتکشان ایفا می‌کند به فال نیک گرفت. شاید بتوان به کمک اخبار روز بحث مشخصی را درباره‌ی مبارزه مشترک چپ برپایه سیاست مستقل طبقاتی ممکن آن برای شرایط کنونی ممکن ساخت و به نتایج مشترک دست یافت.